

شناخته شده بودند و مورد علاقه هم نبودند، زیرا يك مسلمان، هر که می خواهد باشد، به طور فطری احساس نفرت خاصی نسبت به فرد بهائی دارد. سازمان های دولتی گاهی از ساواک سؤال می کردند که فلان فرد در تعرفه استخدامی یا تعرفه سالیانه در مقابل مذهب خود را «بهائی» معرفی کرده، با او چه باید کرد؟ ساواک همیشه جواب می داد: اگر برای استخدام است، استخدام نشود مگر اینکه بنویسد مسلمان و آنهایی که استخدام شده اند باید در مقابل مذهب «مسلمان» بنویسند و گرنه بازنشسته شوند! این پاسخ رسمی ساواک بود، ولی رعایت نمی شد و ساواک نیز حساسیتی نداشت. زمانی منوچهر اقبال، مدیرعامل شرکت نفت، به طور کلی و برای تمام شرکت نفت استعمال کرد که در مقابل افرادی که مذهب خود را «بهائی» می نویسند چه باید کرد؟ ساواک جواب مرسوم فوق را داد. اقبال پاسخ داد که ممکن نیست چون تعداد بهائی ها در شرکت نفت بسیار زیاد است! باید اضافه کنم که در ساواک فردی که مسئول بهائی گری بود در تمام ۱۲ سالی که من در ساواک بودم همین سمت را داشت و بعدها هم در همین سوژه کار می کرد و لذا در کار خود متخصص درجه اول شده بود. او روحیه ضدبهائی شدید داشت.

سازمان دیگری که ساواک به طور ماهیانه درباره آن گزارش به دفتر ارسال می داشت، «جبهه التحریر خوزستان» بود، که تا انقلاب وجود داشت. هدف این «جبهه» استقلال خوزستان و تبدیل آن به «عربستان» مستقل بود. طبق گزارشات ساواک، اعضاء جبهه با دولت بعث عراق همکاری داشتند و همگی در عراق آموزش می دیدند و حزب بعث عراق به آنها کمک مالی می کرد. تحلیل من این بود که «جبهه التحریر» ماحصل توافق انگلیس و آمریکا در منطقه است و دولت بعث عراق در رده ای نیست که استقلال خوزستان را بخواهد. اصولاً انگلیسی ها، هم به علت موقعیت سوق الجیشی و هم به علت نفت خوزستان، همیشه چنین پایگاهی در این منطقه داشته اند. زمانی حکومت خودمختار شیخ خزعل را ایجاد کردند و امکانات وسیعی برای او فراهم آوردند، ولی بعداً ترجیح دادند که ایران توسط رضاخان یکپارچه شود و لذا شیخ خزعل را تسلیم رضا نمودند. این بار انگلیسی ها طرح کهنه و قدیمی خود را به آمریکایی ها ارائه داده و مشترکاً برای اطمینان از حفظ همیشگی خوزستان در مدار خود، «جبهه التحریر» را ایجاد کردند. این «جبهه» مسلماً يك طرح درازمدت بود که اگر در شرایط فرضی، محمدرضا نتواند منافع غرب را در خوزستان تأمین کند، غرب رأساً از طریق «جبهه» وارد عمل شود و خوزستان مستقل را با نام «عربستان» و با حمایت ناسیونالیست های عرب ایجاد کند. همانطور که گفتم رئیس MI-6 سفارت در صحبت های خود توجه زیاد به خوزستان (و بلوچستان) می کرد و می گفت که محمدرضا باید به این مناطق بیشتر برسد.